

زن و مدیریت اقتصادی خانواده

به گزارش خط امید بهشهر - در شرایط نامناسب اقتصادی، قطعاً رفتار زن خانواده است که در نقش مادر و همسر می تواند برای سایرین الگو سازی کند و آرامش و راحتی را برای خانواده به ارمغان بیاورد.

مقدمه

اقتصاد مقاومتی مجموعه ایست از استراتژی هایی است که در شرایط تحریم تجویز می شود. در این استراتژی تمامی عوامل اقتصادی اعم از دولت، تولیدکنندگان و خانوارها وظایفی را عهده دار می شوند.

از این رو اقتصاد خانواده از مهمترین و حساس ترین مسائل خانواده به شمار می رود و در حقیقت، می توان گفت: که اقتصاد خانواد، طبق بررسی های به عمل آمده اساس و ریشه ی اکثر اختلافات خانواده نیست؛ زیرا چه بسا خانواده هایی هستند که درآمد و به طور کلی زاینده ی بنیه ی اقتصادی خانواده نیست؛ زیرا چه بسا خانواده هایی هستند که درآمدهای خوبی دارند ولی به دلیل عدم رعایت اصول اقتصادی در زندگی و روی آوردن به تجملات، هیچگاه روی خوش و آرامش را نمی بینند و همواره بر نداشته های خود افسوس می خورند و احساس حقارت و نداری می نمایند و کانون خانواده ربا بحران مالی روبرو می کنند.

از سوی دیگر، مصرف بیش از اندازه و عادات غلط و نادرست در افراد پدید می آورد که سبب می شود در تنگناها و مصائب، توان تحمل را از کف بدهند و در برابر آن، احساس محرومیت کنند. مقام معظم رهبری در این خصوص می فرمایند:

« مساله ی مدیریت مصرف ، یکی از ارکان اقتصاد مقاومتی است یعنی مصرف متعادل و پرهیز از اسراف و تبذیر.

آحاد مردم و خانواده ها باید به این مساله توجه کنند که این واقعا جهاد است. امروز پرهیز از اسراف و ملا حظه ی تعادل در مصرف بدون شک در مقابل دشمن یک حرکت جهادی است و انسان می تواند ادعا کند که این اجر جهاد فی سبیل را دارد. آحاد مردم هم مصرف تولیدات داخلی را بر مصرف کالاهای خارجی با مارک های معروف را ترجیح بدهند »

نقش و جایگاه زن در مدیریت اقتصادی خانواده

در سیستم اقتصادی خانواده، مسئولیت اقتصاد با مرد است و مایحتاج زن و فرزندان بر عهده ی پدر خانواده است.

در این راستا آیات فراوانی وظیفه ی مردان در پرداخت نفقه ی زن و فرزند را تصریح کرده است و به گشاده دستی در آن، به خصوص در مناسبات ویژه، مانند اعیاد یا به هنگام بازگشت از سفر، وصیه می کند.

لیکن این مسئولیت مرد، نافی مسئولیت های زن و در امور اقتصادی خانواده نیست و وظیفه ی زن، مدیریت اموال همسرش در داخل خانواده می باشد.

زن در جایگاه مدیر خانه و در مقام مشاور پدر با تدبیر صحیح و به موقع خویش، می تواند نقش بسزایی در برنامه ریزی و تدبیر جهت اولویت بندی نیاز های خانواده و صرف درآمدها در بهترین مصارف ایفا نماید و از این طریق آرامش و رشد مادی و معنوی را برای خانواده ی خود به ارمغان آورد. پیامبر اکرم (ص) در این رابطه فرمودند: مرد مدیر خانواده خود می باشد و هر مدیری مسئول زیر دستانش می باشد و زن مدیر اموال شوهرش و نسبت به آن مسئول است.

همچنین سیره ی الگوی زنان مسلمان حضرت زهرا (س) در زمینه ی قناعت و عدم زیاده خواهی و فشار بر همسر جهت رفع نیاز های غیر ضروری به طور صریح وظیفه ی زنان جامعه را در این زمینه نشان می دهد.

در واقع در الگوی اسلامی از یک سو به مرد که نان آور خانواده است دائماً توصیه به گشاده دستی و کسب رفاه برای اعضای خانواده شده است و از سوی دیگر به سایر اعضای خانواده به ویژه زن توصیه می نماید که تعادل و میانه روی در مصرف را رویه ی خویش سازند و از زیاده خواهی در امور غیر ضروری و چشم هم چشمی و تجمل گرایی بپرهیزند و با پدر خانواده همکاری کنند.

توجه به این گونه روایات نشان می دهد که مصرف و نگرش الهی حدودی دارد که انسان را در رشد و تعالی فردی و جمعی یاری می دهد و اگر از حدود آن کاسته یا بر آن افزوده شود، نظام معیشت آسیب می بیند.

معنای تجمل گرایی و رواج آن در میان زنان

یکی از موانع جدی جهت مقابله با تجمل گرایی در جامعه مشخص نبودن مفهوم و معنای دقیق از آن در ذهن تمام افراد جامعه است، به گونه ای که هر قشر و گروهی از افراد جامعه با در نظر گرفتن معیارها و تعبیری خاص از تجمل گرایی خود را به نحوی از گرفتار شدن در این پدیده مبرا می دانند و یا آن را توجیه می کنند. تجمل گرایی در لغت از دو بخش «تجمل» و «گرایی» تشکیل شده و به معنای «زیبا گرایی» یا «زیبایی دوستی» است. لیکن در اصطلاح به معنای مال پرستی و دنیا گرایی است که ناشی از روح خودبینی و فخر فروشی و پیروی از هوا و هوس است. در حال حاضر، مصادیق تجمل گرایی در میان زنان و خانواده ها را در استفاده ی از زیورآلات، پوشاک، لوازم آرایشی و می توان دید.

علل تجمل گرایی و مصرف گرایی زنان در جامعه

با توجه به اینکه موضوع تجمل گرایی، موضوعی فرهنگی اقتصادی است و تمام جامعه را در بر گرفته است، بررسی علل رواج آن در میان زنان را نمی توان از سایر جامعه جدا نمود. لذا عوامل متعددی موجب شده است که زنان نیز به این سمت و سو، سوق پیدا نمایند که برخی از این عوامل عبارتند از :

- ۱- ترویج فرهنگ مصرف گرایی و تجمل گرایی توسط دشمنان جهت تبدیل کشور به بازار مصرف کالاهای خود و ترویج فرهنگ غربی.
- ۲- حرکت رسانه های عمومی کشور در جهت ترویج تجمل گرایی در فیلم ها و
- ۳- فقر فرهنگی و هویتی.
- ۴- الگوی رفتار مصرفی و تجمل گرایی برخی کارگزاران و سیاستمداران.
- ۵- عدم سیاست گذاری نهادهای فرهنگی و اقتصادی در جهت رفع مصرف گرایی افراطی.
- ۶- کم کاری نخبگان حوزوی و دانشگاهی.
- ۷- عدم توجه جدی و بهره گیری از فرمایشات مقام معظم رهبری توسط مردم و مسئولین.
- ۸- جدی نگرفتن جهاد اقتصادی و عدم احساس تکلیف در عرصه های اقتصادی.
- ۹- عدم اهتمام مردم در امر به معروف و نهی از منکر.
- ۱۰- عدم بهره گیری صحیح از آموزه های دینی در هدایت مرد و مدیریت جامعه.

آثار و تبعات تجمل گرایی زنان

- رواج تجمل گرایی، تبعات فراوانی در ابعاد فردی، اجتماعی و خانوادگی به همراه خواهد داشت که فقط در بعد خانوادگی به چند نمونه از آنها اشاره می شود.
- ۱- دور شدن زنان از نقش والای مادری و همسری.
 - ۲- اخلال در مدیریت اقتصاد خانواده.
 - ۳- از دست رفتن آرامش خانواده و از هم پاشیدگی خانواده.
 - ۴- عدم تربیت صحیح فرزندان.

راهکار های رفع تجمل گرایی از زنان

نیازهای زندگی و مسائل اقتصادی، از بزرگترین نگرانی های انسان است و برطرف کردن این نگرانی ها، آن گاه امکان دارد که خانواده ها میزان اطلاعات و آگاهی خویش را در این زمینه بالا ببرند و اقتصاد زندگی شان را با مسائل ارزشی و آموزه های دینی آمیخته کنند و از تجملات و اسراف و تبذیرها پرهیز نمایند.

تنها با بهره گیری صحیح همه جانبه از آموزه های دینی است که می تواند سعادت افراد، خانواده ها و جامعه را تضمین نمود.

لذا راهبرد اصلی در حل تمامی مشکلات موجود در این خصوص، بازگشت به دین و آموزه های آن است، از این رو جهت حل معضل فرهنگی اقتصادی تجمل گرایی در میان زنان جامعه نیز، در مرحله ی نخست می بایست معیار و الگوی رفتار مصرفی از دین را استخراج نمود.

در گام بعدی، هر بخشی از جامعه ملزم باشد که نقش خود را در راستای اشاعه و تحقق آن در ابعاد فردی، خانوادگی و اجتماعی انجام دهد.

نقش زنان و مادران در کاهش تجمل گرایی و مدیریت صحیح اقتصادی خانواده

در خصوص این موضوع می بایست گفت که مهمترین نقش بر عهده ی زنان و مادران جامعه است. زنان و مادران جامعه فقط نیمی از جمعیت کشور را تشکیل نمی دهند بلکه به دلیل نقش تربیتی و الگودهی به فرزندان و اعضای خانواده ، تمام جامعه هستند لذا هر گونه رفتار صحیح یا غلط آنها ، تبعات گسترده ای را طی سال ها برای خانواده و جامعه به همراه خواهد داشت.

زن چون مهمترین نقش را در خانواده ایفا می نماید می بایست بنای زندگی را بر اقتصاد و اعتدال پایه ریزی نماید و ضمن الگو دهی مناسب به فرزندان در قناعت ورزی، از همسرش بیش از توان مالی اش توقع نداشته باشد.

زنان می توانند با اتخاذ موارد ذیل کمک شایانی در جهت مدیریت صحیح اقتصادی خانواده انجام دهند:
الف) در امور تمامی اعضای خانواده و خصوصا پدر و مادر با هم صداقت داشته و در تصمیم گیری هامشارکت کنند.

ب) واقع بینی و هماهنگی میان دخل و خرج.

پ) حقوق ودرآمد بر اساس اولویت بندی نیازها، خرج شوند.

ت) شرکت در جلسات اخلاقی.

ث) انتقال مطالب ارزشمند جهت تقویت روحیه ی قناعت به تمام اعضای خانواده توسط مادر.

ج) کسب مهارت ها که از طریق آنها هویت بخشی به اعضای خانواده صورت گیرد.

چ) برنامه ریزی مناسب اقتصادی.

ح) تربیت صحیح فرزندان و آشنا نمودن آنها با مدیریت صحیح اقتصاد خانواده .

خ) آموزش فرزندان به گونه ای که بیاموزند که تفاوت های مادی، ملاک ارزش گذاری انسان ها نیستند.

نتیجه

در پایان می توان گفت: مدیریت مصرف زمانی تحقق می یابد که، الگوی مصرف فعلی به سمت و سوی « الگوی مصرف اسلامی » حرکت نموده و اصلاح شود.

در شرایط سخت اقتصادی رفتار مادر خانواده است که در نقش مادر و همسر می تواند برای سایرین الگو سازی کند.

در نظام تربیتی اسلام، تنها تمکن مالی و اقتصادی نیست که آرامش را برای خانواده فراهم می سازد بلکه خصایص نیکی مانند: قناعت و ایثار بسیار توصیه شده است.

در شرایط نامناسب اقتصادی، قطعا رفتار زن خانواده است که در نقش مادر و همسر می تواند برای سایرین الگو سازی کند و آرامش و راحتی را برای خانواده به ارمغان بیاورد.

بعد از این ایفای نقش صحیح زن در خانواده است که می توان گفت: «تیر حماسه ی اقتصادی در کمان زن ایرانی» است.